



و انجام ایمان خود یعنی نجات جان خویش را می‌یابید. اول پطرس ۱: ۹



پطرس رسول در این آیه به صراحت بیان می‌کند که سرانجام ایمان ما چه خواهد بود. او می‌گوید در حین ظهور مسیح، سرانجام ایمان خود، یعنی نجات جان‌های خویش را می‌یابیم. ولی مگر ما نجات یافته نیستیم؟ مگر در لحظه‌ای که به گناهکار بودن خود و نیازمان به مسیح اعتراف کردیم نجات نیافتیم؟

برای درک بهتر موضوع نجات و پاسخ به اینگونه پرسش‌ها باید نگاهی دقیق‌تر به کتاب مقدس، خودمان و دنیای پیرامونمان بیندازیم. بر اساس کتاب مقدس، ما در لحظه‌ای که به گناهکار بودن خود و نیازمان به مسیح برای نجات یافتن از پیامد گناه اعتراف کنیم، هدیه نجات را از خداوند دریافت می‌کنیم. از سویی دیگر، شرایط انسان با ورود گناه به دنیا، بسیار پیچیده شده است و حتی می‌توان گفت که گناه با کوچکترین بخش‌های زندگی انسان در هم آمیخته است. به همین دلیل برای رهایی از تمامی ابعاد گناه در زندگی و بازگشت به شرایط ابتدایی، روند به انجام رسیدن کامل این نجات برای انسان پیچیده و تکاملی خواهد بود. همچنین با نگاه به شرایط خودمان متوجه می‌شویم که حتی پس از نجات یافتن، هنوز در کشمکش با گناه هستیم و نقاط سیاه بسیاری در قلبمان وجود دارد که باید مورد بررسی قرار گیرد. نجاتی که خداوند به ما هدیه می‌دهد دارای سه بخش اساسی است که در هر کدام از آنها، یکی از ابعاد گسترده گناه از زندگی ما برداشته می‌شود.

بخش اول **عادل شمرده شدن** نام دارد. این بخش در لحظه پذیرفتن عیسای مسیح به عنوان نجات‌دهنده‌مان برای ما اتفاق می‌افتد. پس از پذیرفتن عیسای مسیح در قلبمان، او عدالت خود را به ما می‌دهد و به خاطر عدالت او، ما نیز عادل یا پارسا شمرده می‌شویم. زین پس خدای پدر با نگاه کردن به ما، به جای گناهانمان پارسایی مسیح را مشاهده می‌کند. بدین معنا که ما در مقابل تخت سلطنت و قضاوت خداوند، در جایگاهی هم‌ردیف با عیسی مسیح قرار می‌گیریم. به عبارت دیگر، ما لباس عدالت عیسای مسیح را در بر می‌کنیم و به نوعی با شفاعت او، از قضاوت عادلانه خداوند عبور خواهیم کرد. اینها حقایق الهیاتی پیچیده‌ای هستند که در کلام خداوند وجود دارند و اگر ما از نظر روحانی متولد شده باشیم، بدون شک برای ما به انجام رسیده‌اند. اکنون بیایید از زاویه‌ای متفاوت به این موضوع نگاه کنیم.

آیا حکایت بدهکار بی‌گذشت را در فصل ۱۸ انجیل متی به خاطر دارید؟ همان شخصی که بدهی بسیار زیادش به پادشاه، تنها به خاطر سخاوت پادشاه بخشیده شد ولی پس از آن نتوانست بدهی اندکی را که یکی از دوستانش به او داشت ببخشد؟ اگر از نو متولد شده باشیم، بار سنگین و غیر قابل انکار گناهانمان به خاطر فیض و رحمت خداوند بخشیده شده است و دیگر هیچ محکومیتی شامل حال ما نخواهد بود. در مقابل این بخشش غیر قابل تصور، رفتار ما چگونه است؟ آیا می‌توانیم اشتباه یا خطایی که شخصی در مقابل ما انجام داده است را ببخشیم یا در فکر تلافی آن هستیم؟ متأسفانه این مثل در بسیاری از مواقع در مورد ما صدق می‌کند. ما حتی خیلی وقت‌ها نمی‌توانیم اشتباه نزدیک‌ترین افراد خانواده مثل برادر، خواهر و یا حتی همسرمان را ببخشیم چه برسد به غریبه‌ها! شاید هنوز به عمق گناهانمان پی نبرديم و یا شاید با خودمان می‌گوئیم "من که قبل از ایمانم هم آدم بدی نبودم، حق کسی را پایمال نمی‌کردم، به دیگران نیکویی می‌کردم و ...". بیائید کمی دقیق‌تر نگاه کنیم؛ آیا در قلبمان از کسی نفرت نداشتیم؟ به کسی حسادت نمی‌کردیم؟ طمع نداشتیم؟ و

پدر آسمانی! بخشش تو فرای درک و تصور من است. لطفاً کمکم کن تا آن را بهتر بفهمم. کمکم کن تا با نگاه به این فیض عظیم و بی‌کران، گناهکار بودن خودم و نیازم به تو را بیشتر حس کنم. کمکم کن تا بتوانم اشتباهات دیگران را درباره خودم ببخشم. آه ای خداوند! شاید بتوانم اشتباهات کوچک را بخشید ولی وقتی دلم می‌شکند و جراحתי عمیق در قلبم به وجود می‌آید، کار سخت می‌شود. لطفاً این زخم‌ها را شفا بده و کمکم کن تا با قدرت تو دیگران را ببخشم. به نام یگانه فرزندت عیسای مسیح، آمین!

